

بررسی دیدگاه گروهی از دانشجویان علوم پزشکی در خصوص «جو سازمانی و محیط دانشگاهی»

اکرم ثناگو¹، لیلا جویباری²، فاطمه مهرآور^{3*}

چکیده

زمینه: «جو سازمانی» کیفیت درونی سازمان مطابق ادراک و تجربه‌ی اعضای آن سازمان و «جو دانشگاهی» کیفیت نسبتاً پایدار محیط آموزشی است که حاصل تلاش، کوشش و روابط و کنش‌های متقابل میان گروه‌های درونی دانشگاه؛ مسئولان، اساتید، کارکنان و دانشجویان می‌باشد. هدف از این مطالعه، بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص جو سازمانی و محیط دانشگاهی بوده است.

روش: در این پژوهش کیفی، بر اساس نمونه‌گیری مبتنی بر هدف با 60 دانشجوی پرستاری، مامایی و پیراپزشکی که در ترم‌های مختلف در سال 1388 مشغول به تحصیل بودند، مصاحبه‌های نیمه‌ساختار به عمل آمد. کلیه‌ی مصاحبه‌ها ضبط، دست‌نویس، کدگذاری، طبقه‌بندی، توصیف و مطابق روش «تحلیل محتوا» آنالیز شدند.

نتایج: «نیاز به تغییر» مضمون اصلی و «تغییر در محیط فیزیکی دانشگاه، تغییر نیروی انسانی دانشگاه، تغییر در برخی از قوانین آموزشی» از مضامین فرعی بوده است.

نتیجه‌گیری: یافته‌ها مؤید درجاتی از دوگانگی خواسته‌ها و آرزوهای آموزشی می‌باشد. از طرفی، جهت هیچیک از تغییرات معطوف به خود دانشجویان نبوده است.

واژگان کلیدی: محیط آموزشی، جو آموزشی، دانشجویان، علوم پزشکی

1- استادیار دانشکده‌ی پرستاری و مامایی بویه، مرکز مطالعات و توسعه آموزش علوم پزشکی دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

تلفن و ایمیل: 09112703978
a_sanagu@yahoo.com

2- استادیار، مرکز تحقیقات پرستاری دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

تلفن و ایمیل: 09113548454
jouybari@gmail.com

3- دانشجوی پرستاری، عضو کمیته‌ی تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان، گرگان، ایران.

تلفن و ایمیل: 01714430360
mehravar10261@yahoo.com

* نویسنده‌ی مسئول:

فاطمه مهرآور، ایران، گرگان، دانشجوی پرستاری، عضو کمیته‌ی تحقیقات دانشجویی، دانشگاه علوم پزشکی گلستان

تلفن: 01714430360
Email: mehravar10261@yahoo.com

تاریخ پذیرش: 1391/2/9

تاریخ دریافت: 1390/5/8

مقدمه

ارتقای کیفیت محیط آموزشی و یا به وجود آوردن نگرش مثبت نسبت به موضوعات درسی و دانشگاه می‌توان انتظار جامعه‌ای فعال، سالم و پویا را داشت (5). در این میان برخورد با دانشجویان به عنوان اشخاصی شایسته بسیار مهم است. اگر با فراگیران به عنوان موجوداتی شبیه به ربات برخورد شود، بیم آن می‌رود که تمام عواطف و علائق و نگرش آنها نسبت به آموزش، دانشگاه یا هر نوع محیط آموزشی منفی شده و این امر شرایط رکود فکری را فراهم آورد و یادگیری به معنای واقعی صورت نگیرد (6). کلید سازندگی و ارتقای هر جامعه‌ای در دست پر توان جوانان آن جامعه است. اگر قرار باشد که بهترین و پیشرفته‌ترین قشر جامعه یعنی دانشجویان جوان ما محیط آموزشی خود را دلچسب ندانند، موضوعات درسی را مفید نشمارند و نوع روابط اساتید و پرسنل دانشگاه را دلپذیر ندانند، باید منتظر بود تا بلایی سخت بر روح و جان تعلیم و تربیت فرود آید و روح کاوشگر و کمال طلب دانشجویان تخریب شود (7). هدف از این مطالعه بررسی دیدگاه دانشجویان در خصوص جو سازمانی و محیط دانشگاهی بوده است.

روش

از آنجا که هدف، دستیابی به درک عمیق‌تری از دیدگاه و تجربیات دانشجویان در خصوص جو سازمانی و محیط دانشگاهی بوده است، استفاده از مصاحبه‌های باز ضروری می‌نمود، از این رو از روش کیفی استفاده شد. پژوهش حاضر یک تحقیق کیفی و از نوع تحلیل محتوایی است. تحلیل محتوا جایگاه ارزشمندی در گستره‌ی تحقیقات دارد و ابزار خوبی برای پژوهشگران کیفی است (8). در این روش، محتوای نوشتارها برای استخراج درون مایه‌های اصلی و الگوهایی که در بین داده‌ها وجود دارند، مورد تجزیه و تحلیل قرار می‌گیرند (9 و 10). از طریق مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته طی جلسات بحث گروهی و مصاحبه‌ی انفرادی، داده‌ها جمع‌آوری شدند.

جو سازمانی، کیفیت درونی سازمان مطابق ادراک و تجربه‌ی اعضای آن سازمان می‌باشد. جو به مجموعه‌ای از ویژگی‌هایی اطلاق می‌شود که یک سازمان را از سازمان دیگر متمایز می‌سازد. همچنان که شخصیت به خصوصیات اساسی فرد اشاره دارد، جو نیز به ویژگی‌های پایدار سازمان‌ها مربوط می‌شود (1). نظر به اینکه جو سازمانی در همه‌ی ابعاد سازمان جریان دارد، رفتار سازمانی از جمله تعهد سازمانی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. این تأثیرات می‌تواند موجب انگیزش و یا ضعف آن شود که در هر صورت در عملکرد نیروی انسانی دیده می‌شود. بنابراین ضمن تأثیرگذاری در سلوک و حالت اعضا، رفتار سازمانی آنها را نیز تحت تأثیر قرار می‌دهد. کارایی و توسعه‌ی سازمان تا حد زیادی به کاربرد صحیح نیروی انسانی بستگی دارد (2). جو دانشگاه، نیز کیفیت نسبتاً پایدار محیط آموزشی است که حاصل تلاش، کوشش، روابط و کنش‌های متقابل میان گروه‌های درونی دانشگاه؛ مسئولان، اساتید، کارکنان و دانشجویان می‌باشد. حاصل نهایی این تعاملات شکل‌گیری ارزش‌ها، اعتقادات و موازین اجتماعی نظام دانشگاه است. کنش متقابل میان فراگیران و محیط اجتماعی از اهمیت به‌سزایی برخوردار است (3). هر چند که داشتن فضای آموزشی وسیع یک شرط لازم در امر تعلیم است، اما به تنهایی کافی نیست، محیط آموزشی هدفمند محیطی است که فرصت‌های متنوعی را برای تعامل با افکار و آرای گوناگون به وجود می‌آورد. یادگیری باید در محیطی صورت گیرد که ارایه‌کننده فرصت‌های تازه و جدید برای هر فراگیر باشد، چنین محیطی باعث می‌شود تا یادگیرنده خود و محیط اطرافش را با روش خود کشف کند، مسلماً چنین شرایطی می‌تواند برای معلمان نیز فرصت‌هایی را بیافریند تا راه‌های مختلف برخورد با فراگیران را بیابند (4). اگر مطالب درسی در یک محیط فرهنگی و اجتماعی آموزش داده شود، رشد ذهنی یادگیرندگان قطعی خواهد بود. مشارکت اجتماعی یکی از شرایط مهم یادگیری است. از طریق

پژوهشگران در مکان‌هایی که دانشجویان در دسترس بوده‌اند (و مطابق خواست آنان) انجام شد. یکی از راه‌های افزودن دقت و اعتبار مطالعات کیفی بازگشت یافته‌ها به شرکت‌کنندگان (member check) می‌باشد. در پژوهش حاضر نیز بعد از استخراج مضامین به تعدادی از دانشجویان عودت داده شد و از آنان خواسته شد تا تعیین نمایند آیا آن را همخوان با تجربیات خود می‌یابند یا خیر، که نتیجه مؤید تأیید شرکت‌کنندگان بوده است.

در جریان فرآیند پژوهش، از گردآوری داده‌ها تا پایان تجزیه و تحلیل و گزارش یافته‌ها مواردی اخلاقی چون رضایت آگاهانه، حفظ گمنامی، محرمانه بودن اطلاعات، حق کناره‌گیری در زمان دل‌خواه و اجازه برای ضبط مصاحبه رعایت شد.

نتایج

از آنالیز داده‌ها مضمون اصلی "نیاز به تغییر" و مضامین فرعی "تغییر در ابعاد آموزشی، تغییر در نیروی انسانی، تغییر در محیط فیزیکی" استخراج شد.

به طور کلی طیف تغییرات وسیع و از "فیزیکی تا روانی و آموزشی" شامل ایجاد تغییر در محیط فیزیکی دانشگاه؛ در نظر گرفتن فضای استراحت در دانشگاه، افزایش کتابخانه‌ها، تغییر نیروی انسانی دانشگاه؛ اساتید، کارکنان و مسؤولان، تغییر قوانین حاکم بر محیط آموزشی؛ تغییر زمان کلاس‌ها، افزایش محیط‌های آموزشی بوده است. سمت و سوی تغییرات عمدتاً معطوف به غیر از خود دانشجویان بوده است.

تغییرات در ابعاد آموزشی: مشارکت‌کنندگان خواستار روش تدریس استاد با تنوع بیشتری بوده‌اند. کلیشه‌ای شدن یک روش از سوی استاد را باعث عدم پیروی دانشجو از استاد ذکر نمودند. برخی از شرکت‌کنندگان در مورد تغییرات مدرسان اظهار داشتند:

"باید تدریسی کنند که تلفیقی از مبانی تئوری و عملی باشد"، "اساتید در ترم‌های متوالی دقیقاً همان چیزی که

جلسات بحث گروهی شامل سه تا پنج دانشجو بوده است. دانشجویان دانشگاه علوم پزشکی گلستان با روش نمونه‌گیری مبتنی بر هدف (متناسب با پژوهش کیفی) انتخاب و مورد مصاحبه‌های نیمه‌ساختار یافته، قرار گرفتند تا دیدگاه دانشجویان این دانشگاه در رابطه با محیط آموزشی که در آن در حال تحصیل هستند، شناسایی شود. ابتدا با طرح سؤالات کلی و عمومی مصاحبه آغاز و سپس به تدریج با جلب اطمینان دانشجویان به زمینه‌های خصوصی و عمیق‌تر پرداخته شد. این نوع مصاحبه به دلیل انعطاف داشتن و عمیق بودن مناسب پژوهش‌های کیفی است. چند سؤال در تمام مصاحبه‌ها تکرار و مابقی بنا بر ضرورت و پاسخ‌های شرکت‌کنندگان طرح شد. مصاحبه‌ها با سؤالات کلی برای شکستن جو رسمی آغاز می‌شد و سعی گردید تا روند مصاحبه به گونه‌ای پیش رود که امکان تعامل برای فرد مقدور باشد. "وقتی به عنوان دانشجو برای اولین بار به محیط دانشگاه و نیازهای آموزشی آن فکر می‌کنید، چه چیزی در ذهنتان تلذای می‌گردد؟ کمترین شرایط و امکانات لازم برای داشتن دانشگاه خوب برای دانشجویان چیست؟ داستان شرایطی را بگویید که احساس کرده‌اید دانشگاه شما در اوج ارتقاء و یا سیر نزولی بوده است؟ اگر جای مسؤولان دانشگاه باشید چه تغییراتی را اعمال می‌نمایید؟" نمونه‌ای از سؤالاتی است که در جریان مصاحبه‌ها مطرح شدند. اطلاعات فردی چون سن، جنس، ترم تحصیلی و شغل نیز علاوه بر سؤالات پیرامون دانشگاه و محیط آموزشی که در آن مشغول به تحصیل هستند، مطرح شد. مصاحبه‌ها تا رسیدن به غنای لازم و در اصطلاح، اشباع اطلاعاتی که دیگر تم یا درونمایه جدیدی به داده‌ها اضافه نشود، ادامه یافت. بر همین اساس 60 دانشجوی دانشگاه علوم پزشکی گلستان مورد مصاحبه قرار گرفته‌اند. نمونه‌گیری مبتنی بر هدف و غیر تصادفی بوده است. اصل اشباع داده‌ها یا همان تکرار پذیری داده‌ها ملاک اصلی تعیین حجم نمونه بوده است. محیط پژوهش، متناسب با پژوهش کیفی، محیط واقعی و طبیعی بوده و کلیه مصاحبه‌ها توسط

مشارکت‌کنندگان بر این باور بودند که بایستی حرمت استاد در محیط آموزشی حفظ شود و دانشجویانی که اهدافی به جز کسب علم و تهذیب نفس دارند را مانع شد. مدرک‌گرایی و تجاری بودن کسب مدرک از معضلاتی است که در جامعه وجود دارد و این خود باعث عدم انگیزه‌ی دانشجویان به کسب علم می‌شود و از موانع جو آموزشی مناسب در دانشگاه است. یکی از دانشجویان اظهار داشت: "انگیزه‌ی درس خواندن فقط در تعداد محدودی از دانشجویان دیده می‌شود که فقط می‌آیند دانشگاه که زودتر ترم بگذرد و زودتر مدرک بگیرند ... انگیزه‌ها در بین دانشجویان از انگیزه‌های معنوی تبدیل به انگیزه‌های مادی شده است."

علاوه بر موارد فوق به تغییرات متعددی اشاره شد که یکی از مهم‌ترین آنها تغییر زمان برخی از کلاس‌ها بوده است. برای مثال یک مشارکت‌کننده چنین می‌گوید:

"به نظر من ساعت هشت صبح روزهای فوق‌العاده سرد زمستانی اصلاً زمان مناسبی برای فراگیری دانش نیست، همچنین ساعات چهار بعد از ظهر زمان مناسبی برای دروس تخصصی نیست."

تغییرات در ابعاد فیزیکی: یکی از مشارکت‌کنندگان، اجرای تغییرات را الزامی دانست و اظهار داشت: "محیط خشک محوطه‌ی دانشکده را تغییر می‌دادم. در بیمارستان باید فضایی باشد که هنگام استراحت به آنجا برویم، محیط و فضای دانشگاه را و صندلی‌ها و کامپیوترها را تغییر می‌دادم، امکانات خوابگاه را بیشتر می‌کردم."

تغییرات در ابعاد نیروی انسانی: برخی از دانشجویان معتقد بودند که باید کارکنان اداری با آنان ملایم‌تر حرف بزنند و بیشتر به آنان توجه و به کارشان رسیدگی کنند. دانشجوی بودن و دوری از خانواده دانشجویان را در معرض آسیب‌پذیری قرار می‌دهد، لذا به توجه بیشتر مسئولان نیاز دارند.

"دانشجو اگر برایش مشکلی پیش بیاید، واقعاً نمی‌داند باید با چه کسی در میان بگذارد. حمایت‌کننده‌ی واقعی ندارد. مخصوصاً آن دسته از دانشجویانی که از خانواده‌ی

به ترم پیشی‌ها گفته‌اند را به ما می‌گویند ... دقیقاً می‌دانیم فردا استاد در سر کلاس قرار است که چه مطالبی را بیان کند و باعث می‌شود که انگیزه‌ی گوش دادن کم شود."

مشارکت‌کنندگان خواستار فعال کردن دانشجو در تدریس، خلاقیت فکر و بحث‌های علمی در کلاس بودند. یکی از دانشجویان بیان داشت:

"کلاس‌ها و روش تدریس دانشجو-محور باشد ... سر کلاس باید بحث‌های واقعی، علمی و پژوهشی رخ دهد. بر روی حفظیات دانشجو کار نشود؛ بلکه روی خلاقیت‌های دانشجو تمرکز شود. دانشجو را باید از شب امتحانی بودن خارج کرد."

"جو تعاملی استاد - دانشجو" شامل رابطه‌ی استاد و دانشجو و انتقال علم و یادگیری نیز مورد اشاره‌ی مشارکت‌کنندگان بوده است و آن را اساس آموزش می‌دانستند. این تعامل مانند معامله‌ای توصیف شد که طرفین در یک جریان آموزشی منفعتی کسب می‌نمایند؛ استاد به فضایی دسترسی دارد که باعث می‌شود، بتواند کار خود را به نحو احسن انجام دهد و نیازهای آموزشی دانشجو نیز مرتفع می‌شود. یکی از آنان اظهار داشت:

"جو آموزشی محیطی است که دارای شرایطی است که در آن اساتید و دانشجویان در محیطی آرام با یکدیگر در تعامل هستند، محیطی که در آن استاد آنچه را که می‌خواهد به دانشجو انتقال می‌دهد و از طرفی دانشجو هر آنچه را که نیاز دارد یاد بگیرد، آموزش می‌گیرد و هر دو طرف از این محیط به نوعی سود می‌جویند."

مشارکت‌کنندگان بر این عقیده بودند که برای رسیدن به اهداف آموزشی تعامل استاد و دانشجو نیاز است که مضرات موجود در محیط از بین برده شود. یکی از دانشجویان بیان داشت:

"ما باید مراقب این باشیم که نگذاریم تا محیط آموزشی دانشگاه با اهداف مضر پر شود. محیط و جو آموزشی را باید با علم و پژوهش همیشه در جهت مثبت سوق دهیم. هر آنچه که باعث تیره شدن این جو می‌شود را باید از محیط آموزشی دانشگاه زدود."

دومین خصوصیت مهم یک استاد ایده‌آل یاد می‌شود (11). از آنجایی که متغیرهای جو سازمانی؛ درجه‌ی همدلی مدیر، ارتباطات میان فردی و احترام به زیردستان، تأثیر مثبت معناداری روی تعهد سازمانی دارند (12). بنابراین تحلیل عمیق‌تر الگوی مدیریتی مدیران و مسئولان می‌تواند به شناسایی الگوهای موفق، دلایل و ترویج آن منجر شود. یادگیری دانشجویان و تقویت روحیه‌ی کار گروهی و ساختار دموکراتیک در تمامی بخش‌ها می‌بایستی بیشتر مورد توجه قرار گیرد. بهبود در جو سازمانی می‌تواند باعث افزایش اعتماد دانشجویان به محیط آموزشی گردد که به تبع این امر خود اثرات مطلوب دیگری را به دنبال خواهد داشت.

نتیجه‌گیری

اگرچه مطالعات کیفی، قابلیت تعمیم‌پذیری ندارند، نتایج پژوهش حاضر برای در اختیار قرار دادن یک تصویر کلی از وضعیت نیازها و خواسته‌های دانشجویان نسل جدید مفید می‌باشد. لذا هرگونه قضاوت و تصمیم‌گیری بر این اساس، مستلزم تکرار پژوهش در ابعاد وسیع‌تر و با رویکرد کمی می‌باشد.

تشکر و قدردانی

نویسندگان بر خود لازم می‌دانند تا از دانشجویانی که در این مطالعه مشارکت ورزیدند و تجربیات خود را به اشتراک گذاشتند، قدردانی نمایند. همچنین از حمایت‌های معنوی دفتر توسعه‌ی آموزش دانشکده‌ی پرستاری و مامایی بویه‌ی گرگان در اجرای این مطالعه سپاسگزاری می‌شود.

خود دور هستند، بیشتر در معرض خطر هستند." دانشجویان، متقاضی محیطی؛ انعطاف‌پذیر، چالش برانگیز، مهیا بودن امکانات رفاهی، رفتار محترمانه و جوی در خدمت نیازهای فراگیران بوده‌اند.

بحث

دانشجویان شرکت‌کننده در این مطالعه خواهان تغییراتی در سه بعد فیزیکی، آموزشی و روانی در محیط‌های آموزشی بودند. هیچ‌یک از این تغییرات معطوف به خود دانشجویان نبوده است. فقط تعداد محدودی از مشارکت‌کنندگان به فراگیری که عضو اصلی محیط آموزشی می‌باشند، اشاره نمودند. در بررسی استحقاق آموزشی از منظر دانشجویان، 31 درصد دانشجویان کاملاً و 61 درصد تا حدودی خود را از نظر آموزشی مستحق می‌دانستند. نتایج مطالعه‌ی مذکور نشان داد که دانشجویان قضاوت عادلانه‌ای در رابطه با فعالیت‌های آموزشی خود در محیط دانشگاه ندارند. تأکید دانشجویان بر تغییر می‌تواند، نشانه‌هایی از مشتری‌محور نبودن سازمان‌های آموزشی باشد. از طرفی، یافته‌ها مؤید درجاتی از دوگانگی خواسته‌ها و آرزوهای آموزشی می‌باشد. نگاه دانشجویان یک‌طرفه و در جهت نیازهای شخصی بوده است. این امر می‌تواند ناشی از کم‌تجربگی آنان نسبت به مسایل آموزشی باشد. بررسی متون، حاکی از ظهور نسل جدیدی به نام "نسل من" می‌باشد. مشخصه‌ی این نسل خودشیفتگی و متقاضی بودن به همراه اتکای ضعیف بر توانایی‌های خود می‌باشد (11). برخی از دانشجویان خواهان تغییر در نیروی انسانی بوده‌اند. شواهد نشان می‌دهد ویژگی‌های حرفه‌ای و عملی، فردی و اخلاقی معلم به ترتیب بیشترین اهمیت را به خود اختصاص می‌دهد (10 و 11). از ویژگی علم و تجربه، به‌عنوان

References

- 1- Alagheband A. [Principles of management Theoretical Foundations and Principles of Educational Management]. Tehran: Ravan; 2010: P. 45. (Persian)
- 2- Asgarian M. [Human relationship and organizational behavior]. 1st ed. Tehran: Amirkabir; 1998: p.6. (Persian)
- 3- National Youth Organization affiliated to Presidency of The Islamic Republic of Iran. [The final report of national research proposal on consultation with youth: The attitude and status youth in Iran]. 2001: p. 72; 382 (Persian).
- 4- Seif AA. [Educational Psychology], 14th ed. Tehran: Agah publication; 1994: p. 217(Persian)
- 5- Goudarzi A, Gaminian V. [Principles, basic and theories of organizational climate]. Isfahan: Publications of University Jihad (Jahad-e-Daneshgahi); 2002: P. 46-59. (Persian)
- 6- Shakurnia A, Motlagh ME, Malayeri AM, et al. [Students' Opinion on Factors Affecting Faculty Evaluation in Jundishapur University of Medical Sciences]. Iranian Journal of Medical Education 2005; 5(2):109-17. (Persian)
- 7- Zamani A, Shams B, Farajzadegan F, et al. [The Viewpoints of Clinical Faculty Members about Teaching Communication Skills to Medical Students]. Iranian Journal of Medical Education 2003; 3(1): 44-9. (Persian)
- 8- Krippendorff K. Content analysis: an introduction to its methodology. CA:Stage: Thousand Oaks; 2004: p.162-80.
- 9- Polit Df, Beck CT. Essentials of nursing Research, 6th ed. Philadelphia: Lippincott; 2006: P.332-6.
- 10- Hoy Wayne K, Michel Cecil G. [Theory, research and performance in educational management]. Translated by: AbbasZadeh MM. Urmia University Press; 2003: P. 54-9. (Persian)
- 11- Ysaghi Z, Jouybari L, Sanagoo A. [Educational entitlement from the students perspective], 3th ed. National seminar on Nurse, Midwife & Research, Golestan University of Medical Sciences, Bouyeh School of Nursing and Midwifery 1-2 Dec 2010: p. 380-79.(Persian)
- 12- Chiu ML. Work attitudes of the Kaohsiung harbor bureau's employees under organizational change [Master thesis]. Michigan: University of Michigan; 2002: p.1-25.

The perspectives of Golestan University of Medical Sciences students regard to educational climate and university environment

Akram Sanagu¹, Leila M Jouybari², Fatemeh Mehravar^{3*}

1- Assistant Professor of Bouye Faculty of Nursing and Midwifery, Education Development Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

2- Assistant Professor, Nursing Research Center, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

3- Nursing Student, Member of Student Research Committee, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.

*Corresponding Author:
Fatemeh Mehravar, Member of Student Research Committee, Golestan University of Medical Sciences, Gorgan, Iran.
Tel: 0171-4430360
E-mail:mehravar10261@yahoo.com

Abstract

Background: Organizational climate is the internal quality of organization according to perceptions and experiences of its members and environment climate is consistent quality of educational environment which is a product of efforts, relationships, actions and interactions of different groups, policy makers, faculty members, staff and university students.

Methods: In this qualitative study in 2009, using purposeful sampling, sixthly nursing, midwifery and paramedical students from different academic year and level participated in the research. The data gathered by semi-structured interviews. All of the interviews tape recorded, transcribed verbatim and analyzed according to the content analysis method.

Results: The main theme was "need to change" and "changing the physical environment of University, University staffing changes, changes in some of the education law" were the sub-themes.

Conclusion: The findings confirmed some degree of a duality of demands and educational wishes. On the other hand, none of the changes were focused on the students.

Keywords: Educational Environment, Educational Climate, Student, Medical Sciences.

Received: 30.07.2011

Accepted: 28.04.2012